

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۴ - شماره ۲۸ - پاییز ۱۴۰۱

صفحات ۳۲۵ - ۳۴۸ (مقاله پژوهشی)

پژوهشی در حیل تخلّص از ربا با تأکید بر بیع عینه

جواد نفری* / علی عندلیبی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

چکیده

ربا از مسائل بسیار مهمی است که از گذشته های دور مورد ابتلای جوامع مختلف بشری بوده و همواره آسیب های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را به اعضای جامعه وارد ساخته است. بر همین اساس، در دین مبین اسلام، در خلال نصوص بسیاری حکم به حرمت معاملات ربوی شده است. با این حال، برخی از فقها و اندیشمندان مسلمان در آثار خود فصلی را تحت عنوان «حیل تخلّص از ربا» آورده و طی آن، شیوه هایی را معرفی نموده اند که از طریق آنها، معاملاتی صورت می پذیرد که ظاهری شبیه به معاملات غیر ربوی داشته و بر همین اساس، مشمول حکم حرمت ربا نمی شوند. مهم ترین سؤالی که در این خصوص مطرح می گردد حکم استفاده از حیل تخلّص از رباست که در پژوهش حاضر تلاش شده تا با روش تحلیلی - توصیفی ضمن ارائه پاسخی مستند بدان، حکم بیع عینه به عنوان یکی از حیل ربا مورد بررسی قرار گیرد. پیرامون حکم روش های فرار از معامله ربوی میان فقها اختلاف نظر وجود داشته و برخی با استناد به تعارض بکارگیری این شیوه ها با فلسفه حرمت ربا، قائل به عدم مشروعیت این اقدام شده و در مقابل، برخی با تمسک به منطوق برخی روایات خاص، مدعی شده اند که حیل تخلّص از ربا تخصیصاً یا تخصّصاً از حکم حرمت ربا خارج است. بر مبنای پژوهش های صورت گرفته، نه تنها استفاده از حیل تخلّص از ربا خالی از اشکال است بلکه می توان از «بیع عینه» به عنوان شیوه ای در جهت فرار از ارتکاب به معاملات ربوی استفاده نمود.

کلیدواژه: معامله، ربا، حیل تخلّص، راه های فرار از معامله ربوی، بیع عینه، بیع نسیه

* عضو هیأت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین زهرا، قزوین، ایران (نویسنده

j_nafari@yahoo.com

مسئول)

** استادیار گروه فقه، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

مقدمه

داد و ستد، یکی از فعالیت‌هایی است که زمان پیدایش آن به مدت‌های قبل از پیدایش زبان و گفتار در میان مردم بازگشته و حتی می‌توان ادعا نمود جزو نخستین موضوعات روابط و تعاملات اجتماعی انسان محسوب می‌گردد. پیدایش ربا نیز دیرینه‌ای همچون پیدایش معاملات داشته و رشد تجارت و بازرگانی منجر به افزایش آن در جوامع بشری شده است؛ به گونه‌ای که از گذشته‌های دور تا کنون از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات اقتصادی و اجتماعی حکومت‌ها یاد شده است.

بر این اساس، شارع مقدّس تلاش نمود تا در خلال آیات و روایات، مسلمانان را از انجام معاملات ربوی برحذر داشته و به منظور روشن کردن دیدگاه خود نسبت به این قسم معاملات، ربا را گناهی بسیار عظیم و به معنای اعلان جنگ با خدا و رسول (ص) قلمداد نمود. تمامی مذاهب فقهی اسلامی نیز با استناد به این قبیل نصوص، حکم به حرمت ربا نموده و در برخی موارد، حرمت این قسم معاملات را جزو مسلّمات دین مبین اسلام بر شمرده‌اند؛ لذا با بررسی منابع تاریخی می‌توان دریافت که از دیرباز در ممالک اسلامی رباخواری به عنوان حرفه‌ای بسیار پلید و ننگین شناخته شده و اگر کسی تظاهر به این حرفه می‌کرد، به واسطه زیر سؤال بردن مسلّمات و ضروریات دین اسلام، به شدت تقبیح و مجازات می‌شد (عسگری آرائی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵۶).

علیرغم اتفاق نظر موجود در حرمت ربا که نشأت گرفته از صراحت آیات و روایات موجود است، برخی از فقها و اندیشمندان مسلمان در آثار خود و در خلال تبیین احکام و مسائل مربوط به ربا، فصلی را تحت عنوان «حیل تخلّص از ربا» آورده و طی آن، شیوه‌هایی را معرفی نموده‌اند که از طریق آنها، معاملاتی صورت می‌پذیرد که ظاهری شبیه به معاملات غیر ربوی داشته و بر همین اساس، مشمول حکم حرمت ربا نمی‌شوند. پیرامون حکم مشروعیت یا عدم مشروعیت روش‌های فرار از معامله ربوی میان فقیهان مسلمان اختلاف نظر وجود داشته و برخی با استناد به تعارض

بکارگیری این شیوه ها با فلسفه حرمت ربا، قائل به عدم مشروعیت این اقدام شده و در مقابل، برخی با تمسک به عموم و اطلاق نصوص دال بر حرمت ربا در کنار منطوق برخی روایات خاص، مدعی شده اند که حیل تخلّص از ربا تخصیصاً یا تخصّصاً از حکم حرمت ربا خارج است.

با توجه به این توضیحات باید گفت از مهم ترین سؤالات مطروحه پیرامون موضوع ربا، مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاه از روش هایی به عنوان حیل تخلّص از ربا و نیز ماهیت و چستی بیع عینه به عنوان یکی از این روش ها است که در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی پاسخی منطقی بدان ارائه شود.

ناگفته نماند در خصوص حیل تخلّص از ربا پژوهش های مختلفی صورت گرفته که از این میان می توان به مقالات «بررسی تطبیقی مشروعیت حیل ربا در مذاهب اسلامی»، «تفکیک حیل های مجاز و حیل های غیر مجاز قرض ربوی با معیار عرف» و «جایگزین های شرعی برای معاملات ربوی» به عنوان مهم ترین آنها اشاره نمود. آن چه که پژوهش حاضر را از تحقیقات مذکور متمایز می سازد، تأکید آن بر استفاده از «بیع عینه» به عنوان یکی از شیوه های فرار از انجام معاملات ربوی و تبیین ماهیت، اقسام و فروض این روش است.

۱- اصطلاح شناسی

با توجه به آن که ربا در واقع یکی از اقسام معاملات محسوب می گردد، درک مفهوم آن نیازمند آگاهی از مفهوم معامله است. «معامله» در لغت به معنای «با هم داد و ستد نمودن، خرید و فروش کردن، بده و بستان، تجارت و مبادله» بوده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۱۰۲/۱۳) و به لحاظ مفهوم اصطلاحی در علم حقوق مترادف با واژه عقد دانسته شده است (امامی، ۱۳۶۸: ۱۵۹/۱).

از منظر برخی دیگر از حقوق‌دادان، در اصطلاح حقوقی دستکم سه معنا برای معامله بیان شده است: نخست، معنای عام که شامل هر فعل و عملی می‌گردد که صحت آن محتاج و نیازمند داشتن قصد قربت نباشد. دوم، معنای خاص که شامل عقود مالی و غیر مالی و نیز ایقاعات می‌شود. و سوم معنای اخص، که تنها شامل عقود مالی معوض می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۶۴). بر این اساس، مراد از واژه «معامله» در عبارت «معاملات ربوی» معنای اخص این اصطلاح بوده و تنها شامل عقود بیع و قرض می‌گردد.

«ربا» واژه‌ای عربی و در لغت به معنای «زیادی، رفعت، علو» بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۴/۸؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۷۷/۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۱۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۸۷۸/۸) و در اصطلاح فقها، زیادتی است که در یکی از عوضین مماثل یک معامله باشد (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۳۷۷/۱). به بیان دیگر، ربا عبارت است از جنس مکیل یا موزون که در مقابل همان جنس و با زیادتی در یکی از آنها معامله شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۳۷/۳).

حقوق‌دادان نیز با توجه به تعاریف فقهی اقدام به مفهوم‌شناسی اصطلاح ربا نموده و در اینباره آورده‌اند: «ربا عبارت است از بیع جنس به هم جنس (مانند گندم به گندم) در مکیل و موزون به شرط اضافه گرفتن و یا قرض دادن به شرط اضافه ستاندن (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳۲۷)». با توجه به مفهوم اخص معامله و تعاریف ارائه شده برای ربا می‌توان چنین نتیجه گرفت که عبارت «معامله ربوی» به معنای داد و ستدی است که در عقود مالی معوض صورت گرفته و همراه با زیادت در مکیل یا موزون مبیع و ثمن همجنس باشد؛ اعم از آن که این زیادت تحت عنوان بیع واقع گردد یا به صورت عقد قرض مورد معامله قرار گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۶۵).

ربا را از نظر ماهیت می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: نخست، ربای معاملی که در تحقق آن می‌بایست ثمن و مثن در نظر عرف از یک جنس بوده قابل پیمانه و وزن

باشند. بر این اساس، در صورتی که یکی از مبیع یا ثمن از دیگری بیشتر باشد (چه در حالت زیادت عینی و چه در حالت زیادت مثلی) ربای معاملی محقق می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳/۳۱۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۳/۳۲۷؛ خمینی، بی تا: ۱/۵۳۷). دوم، ربای قرضی که در تحقق آن می‌بایست مقرض پول را جنسی را به مقتضی به شرط زیادت قرض دهد (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳/۲۷۸؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹/۶۱؛ خمینی، بی تا: ۱/۶۵۳).

«حیله» در لغت به معنای «حذاقت، تیز نظری، قدرت بر تصرف، مکر، نیرنگ، هر گونه تغییر و دگرگونی و تحوّل، بکار رفتن روش‌ها و شیوه‌های پنهانی، رسیدن به هدف از طریق اسباب و علل پنهانی» بوده و در اصطلاح، مهارتی است که به وسیله آن، انسان از طریق شیوه و روشی مخفی به نتیجه و مقصود خود دست می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۷؛ فیروزآبادی، بی تا: ۳/۲۷۴؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۵/۳۵۹؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۶/۹۲۵۵).

«حیله» در اصطلاح حقوقی به معنای فریب و تظاهر به عملی است که هدف واقعی آن اغفال دیگری باشد. برخی حقوقدانان از واژگان «حیله حقوقی» و «حیله شرعی» استفاده نموده‌اند که هر دو اصطلاح مترادف با واژه «حیله قانونی» بوده و در واقع، به عملی حقوقی گفته می‌شود که اولاً، جنبه صوری داشته و ثانیاً، فاعل آن قصد تقلب داشته و مقصودش وصول به یک نتیجه غیر قانونی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۵۴).

با توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی «حیله» می‌توان گفت اگر چه این واژه عموماً در معانی منفی و روش‌هایی که با پستی و خباثت آمیخته است بکار می‌رود، لکن در برخی موارد، از این واژه در خصوص شیوه‌هایی که با حکمت و زیرکی، فرد را به مقصود می‌رساند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، معنای مثبت یا منفی حیله را روش بکار رفته در رسیدن به مقصود تعیین نموده و در صورت خباثت روش،

حیله در معنای منفی و در صورت حکیمانه بودن آن، حیله در معنای مثبت مورد استفاده قرار گرفته است.

حیله را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

- نخست، حیله مشروع که اصطلاحاتی چون حیله شرعی نیز به عنوان مترادف آن مورد استفاده قرار می گیرد. اصطلاح «حیل شرعی» به معنای بکار بستن روش هایی است که ظواهر قانونی در آنها رعایت شده و لکن با روح قانون در تعارض هستند (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۱۸/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳- الف: ۱۹). به بیان دیگر، مراد از حیل شرعی، مواردی است که فرد برای رسیدن به هدف واحد، موضوع حرامی را به موضوع دیگری که حلال است، تبدیل کرده و به صورت شرعی، واقعه ای را که با خواسته شرع مغایرت دارد، تبدیل به واقعه ای موافق با شرع نماید (تبریزی، ۱۴۱۶: ۱۲/۸). بنابراین، اگر استفاده از حیله، موجب نقض اوامر و نواهی الهی و سبب حلال شدن امری حرام یا بالعکس نگشته و با مقاصد شریعت منافات نداشته باشد، آن عمل جزو حیل مشروع قرار می گیرد.

- دوم، حیل نامشروع که منجر به نقض مقاصد شریعت شده و اسقاط واجبات یا حرّمات و در نتیجه، حق نمودن باطل و باطل نمودن حق را با خود به همراه خواهد داشت. مهم ترین عناصر حیل نامشروع «تدلیس»، «خدعه»، «تقلب» و «سوء استفاده از حق با قصد اضرار به غیر» و نمونه بارز آن، «معامله به قصد فرار از دین» و نیز «انجام معاملات صوری» است (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ۲۴/۳-۲۷).

ناگفته نماند بر اساس روایات صادره از سوی ائمه اطهار(ع) چندین مورد از حرمت ربا استثناء شده است: معاملات ربوی ای که میان پدر و فرزند، زن و شوهر و یا میان مسلمان و کافر واقع شود؛ به شرط آن که در مورد اخیر، پرداخت کننده مقدار زیادی کافر حربی و گیرنده ربا مسلمان باشد (همان: ۲۷۷/۳-۲۷۸).

۲- حکم بکارگیری حیل تخلص از ربا

حرمت ربا یکی از مسائل مسلم و مورد پذیرش در تمامی مذاهب اسلامی بوده و نصوص بسیاری بر این مسأله دلالت دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم، دستکم ذیل هفت آیه به صراحت، حکم بر حرمت چنین معامله ای نموده و مرتکب آن را «جاودان در آتش جهنم»، «جنگ کننده با خدا و پیامبر (ص)» و حتی «کافر» خطاب کرده است (بقره: ۲۷۵-۲۷۹؛ آل عمران: ۱۳۰؛ نساء: ۱۶۱؛ روم: ۳۹). همچنین روایات بسیاری دال بر حرمت ربا داشته و آن را «بدتر از زنا با محارم»، «بدترین و خبیث ترین شیوه در معاملات»، «منجر به قرار گرفتن فرد در دوزخ» معرفی نموده (حرر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۱۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ۳۷۷/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۶/۱۰۰-۱۱۷) و تمامی افرادی که در ارتکاب معامله ربوی نقش داشته اند را مورد لعن پیامبر دانسته است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵/۷). گستردگی نصوص مذکور، موجب گردیده که بسیاری از علما، حرمت ربا را ضروری دین دانسته و در خصوص آن ادعای اجماع را مطرح نموده و کسی که منکر حرمت آن شود را خارج از دین مبین اسلام معرفی کنند (نجفی، بی تا: ۳۳۳/۲۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۹۳/۳؛ خمینی، بی تا: ۵۳۶/۱؛ ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵: ۲۵۲).

علیرغم نصوص مذکور، برخی از فقها و اندیشمندان مسلمان در آثار خود و در خلال تبیین احکام و مسائل مربوط به ربا، فصلی را تحت عنوان «حیل تخلص از ربا» آورده و طی آن، شیوه هایی را معرفی نموده اند که از طریق آنها، معاملاتی صورت می پذیرد که ظاهری شبیه به معاملات غیر ربوی داشته و بر همین اساس، مشمول حکم حرمت ربا نمی شوند. ناگفته نماند که بکارگیری حیل شرعی، سابقه ای قابل توجه داشته و از نخستین روزهای تدوین حقوق اسلامی مطرح بوده است. در همین خصوص، شیخ طوسی معتقد است که بکارگیری حیل شرعی به عصر تابعین باز می گردد. در آن دوران، استفاده از حیل نامشروع بسیار رواج داشته و حتی برخی از جمله

نضر بن شمیل آثاری تحت عنوان «حیل» مورد نگارش قرار داده بودند که تمامی شیوه های بیان شده در آن، جزو حيله های حرام محسوب می گردید (شیخ طوسی، ۱۳۸۷- الف: ۹۵/۵).

یکی از مهم ترین سؤالاتی که پیرامون استفاده از حیل تخلّص از ربا مطرح می گردد، آن است که با توجه به صراحت نصوص وارده در خصوص حرمت ربا و این مسئله که استفاده از حیل ربا در عمل منجر به دریافت زیادی در مکیل و موزون می شود، آیا بکارگیری این شیوه ها خالی از اشکال است؟

فقههای امامیه در پاسخ بدین سؤال، دو طریقت را در پیش گرفته اند: گروهی با استناد به تعارض بکارگیری حیل تخلّص از ربا با فلسفه حرمت ربا، قائل به عدم مشروعیت این اقدام شده و در مقابل، برخی با تمسک به عموم و اطلاق نصوص دالّ بر حرمت ربا و نیز منطوق برخی روایات خاص، مدعی شده اند که حیل تخلّص از ربا تخصیصاً یا تخصّصاً از حکم حرمت ربا خارج است. در ادامه به تبیین نظرات این دو گروه و ارزیابی ادله و مستندات ایشان پرداخته شده است.

۲-۱- ادله قائلین به حرمت

با بررسی آرای فقها می توان دریافت که برخی از اندیشمندان امامیه با درنظر گرفتن فلسفه حرمت برخی از اعمال و مغایرت بکارگیری حیل شرعی با موضوع عدم ارتکاب افعال حرام، قائل به حرمت و عدم مشروعیت استفاده از شیوه های فرار از معاملات ربوی شده و در این میان، تفاوتی میان حیل حرام یا حلال قائل نشده اند (سید مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۷۷؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۱۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷-ب: ۱۰۳).

برخی بزرگان همچون محقق اردبیلی ضمن مخالفت جدی با موضوع استفاده از حیل شرعی، اعلام داشته اند که تا حدّ امکان می بایست از بکارگیری این قبیل شیوه ها اجتناب و دوری نمود و در صورتی که فرد مجبور به ارتکاب حيله گردد، می بایست به گونه ای آن را بکار گیرد که موجب نجات او در نزد خداوند متعال شود

(محقق اردبیلی، ۱۴۰۴: ۱۹/۲۲۸). علامه مجلسی نیز در برخی عبارات خود ترک استفاده از حیل شرعی ربا را به خاطر دوری از لغزش و خطا احوط دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹/۲۲۸).

برخی یگر از فقها اصل را بر حرمت استفاده از مطلق حیل قرار داده و ضمن عبارات خود، استفاده از شیوه های فرار از معامله ربوی را فقط در موارد استثنا و به هنگام ضرورت و اضطرار و از باب احکام ثانویه (با استناد به قاعده الضرورات تبیح المعذورات) جایز دانسته اند (علامه حلی، بی تا: ۱۰/۲۰۱). از میان این فقها می توان به مرحوم بحرانی نیز اشاره نمود که به صراحت اعلام نموده در صورتی که روایت خاصی در خصوص جواز بکارگیری حيله وجود نداشته باشد، ارتکاب آن خالی از اشکال نبوده و ممنوع است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵/۳۷۶).

در جمع بندی کلی باید گفت عموم فقهایی که حکم به ممنوعیت استفاده از حیل شرعی (چه به صورت مطلق و چه در خصوص فرار از معامله ربوی) نموده اند، دلیل عدم مشروعیت بکارگیری این شیوه ها را مغایرت آنها با فلسفه حرمت یک عمل دانسته و ابراز داشته اند در صورتی که استفاده از حیل شرعی ربا مجاز باشد، اعلام حرمت ربا از سوی شارع مقدس، امری عبث قلمداد می گردد؛ چراکه حرمت ربا می بایست منجر به عدم دریافت زیادی در مکیل و موزون معاملات مالی معوض (اعم از بیع و قرض) گردد؛ و حال آن که بکارگیری حیل تخلص از ربا در عمل، منجر به جواز دریافت زیادی مذکور خواهد شد.

۲-۲- ادله قائلین به جواز

در میان عبارات فقها می توان موارد مختلفی را مشاهده نمود که در آنها به صراحت حکم به جواز استفاده از حیل شرعی تخلص از ربا شده است. این موارد به قدری است که شیخ طوسی در اینباره آورده است: «اصل آن است که استفاده و

بکارگیری حيله های شرعی جاز است و در اینباره اجماع فقها وجود داشته و تنها تعداد معدودی از فقها با آن مخالفت نموده اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷-الف: ۹۵/۵)». اصلی ترین و مهم ترین دلیلی که از سوی این گروه فقها در جهت اثبات جواز استفاده از حیل شرعی ارائه شده، روایاتی است که طی آن، معصوم (ع) جواز بکارگیری این شیوه ها را صادر فرموده است. در این خصوص روایات بسیاری نقل شده که برخی به واسطه ضعف سند، قابل استناد نمی باشد. لذا در ادامه به اهم روایاتی اشاره می شود که به لحاظ سندی اشکالی بر آنها وارد نبوده و از طریق منطوق یا مفهوم خود توانایی اثبات نظریه جواز استفاده از حیل شرعی تخلّص از ربا را دارند. با بررسی روایات صادره در این خصوص می توان دریافت که این نصوص سه روش را به عنوان حیل تخلّص از ربا به رسمیت شناخته و عمل بدان را جایز دانسته اند. در ادامه به تبیین و بررسی هر یک از سه روش مذکور پرداخته شده است.

۲-۱- انجام معامله ای مستقل با قیمت بالاتر در زمان سررسید قرض

با بررسی منطوق و مفهوم روایات می توان دریافت یکی از مواردی که در نصوص به عنوان حیل شرعی ربا به رسمیت شناخته شده، پرداخت زیادی از طریق انجام معامله ای مستقل است. در توضیح پیرامون این حالت باید گفت بر اساس نصوص، اگر فردی به شخص دیگری بدهکار باشد و در زمان سررسید بدهی، توانایی پرداخت آن را نداشته باشد می تواند طی معامله ای، کالایی را به چند برابر قیمت از وام دهنده خریداری کرده و ضمن عقد بیع مذکور، شرط کند که مهلت پرداخت بدهی خود را تا زمان معین به تأخیر اندازد. از میان روایات معتبری که بکارگیری این شیوه را جایز دانسته اند، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- محمد بن اسحاق نقل کرده: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَكُونُ لِي عَلَى الرَّجُلِ الدَّرَاهِمُ فَيَقُولُ لِي بَعْنِي شَيْئًا أَقْضِيكَ فَأَبِيَعُهُ الْمَتَاعَ ثُمَّ اشْتَرِيهِ مِنْهُ وَأَقْبِضُ مَالِي قَالَ لَا بَأْسَ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵/۱۸)؛ به امام کاظم (ع) عرض کردم: شخصی مقداری به

من بدهکار است و می گوید مدت طلب را به تأخیر بینداز. آیا برای من جایز است لباسی که هزار درهم است را به ده یا بیست هزار درهم به او بفروشم و در مقابل، بدهکاری او را به تأخیر اندازم؟ امام (ع) فرمودند: اشکالی ندارد. برخی در خصوص سند روایت مذکور اشکال وارد ساخته و محمد بن اسحاق را واقفی دانسته اند. در پاسخ به این اشکال باید گفت که در وثاقت محمد بن اسحاق شکئی وجود نداشته و به صرف واقف بودن قائل، روایت دچار ضعف سند نشده و بر همین اساس استناد به آن خالی از اشکال است.

- محمد بن اسحاق نقل کرده: «قُلْتُ لِلرَّضَا (ع) الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْمَالُ فَيَدْخُلُ عَلَى صَاحِبِهِ يَبِيعُهُ لَوْلَاهُ تَسَوَى مَائَةَ دَرَاهِمٍ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ وَيُؤَخِّرُ عَنْهُ الْمَالَ إِلَى وَقْتٍ. قَالَ: لَأَبَأْسَ بِهِ قَدْ أَمَرَنِي أَبِي فَفَعَلْتُ ذَلِكَ وَزَعَمَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنْهَا فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ (حرر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵/۱۸)؛ به امام رضا (ع) عرض کردم: شخصی از دیگری طلبی دارد و نزد بدهکار می رود تا طلب خود را دریافت کند. بدهکار توانایی پرداخت نداشته و طلبکار مرواریدی را که صد درهم ارزش دارد به هزار درهم به او فروخته و زمان بازپرداخت طلب خود را تا زمانی به تأخیر می اندازد. آیا این کار جایز است؟ امام (ع) فرمودند: اشکالی ندارد، پدرم به من دستور داد که چنین کاری کنم و من نیز انجام دادم».

با بررسی کتب روایی می توان دریافت که شش حدیث دیگر در خصوص موضوع مذکور ذکر شده که به واسطه ضعف سند، از بیان آنها در این قسمت احتراز شده است. ناگفته نماند با بیان عباراتی از قبیل تعارض روایات فوق با آیات و روایات دال بر حرمت ربا، نمی توان قائل به تساقط دو روایت مذکور شد؛ چراکه نصوص دال بر حرمت ربا، عام و مطلق بوده و روایات مذکور، خاص محسوب شده و می تواند به عنوان استثنائی بر عمومیت و اطلاق مذکور محسوب شود.

در برخی دیگر از روایات یکی از راه های تخلّص از ربای معاوضی حالتی دانسته شده که مالی ضمیمه معامله شده و مبلغ اضافی برای آن مال در نظر گرفته می شود. به عنوان مثال، زمانی که فرد می خواهد یک کیلوگرم گندم مرغوب را در قبال دو کیلوگرم گندم نامرغوب بفروشد، معامله به صورت ربوی خواهد بود. از سوی دیگر، بر کسی پوشیده نیست که ارزش گندم مرغوب و نامرغوب متفاوت از یکدیگر است؛ در چنین حالتی با ضمیمه نمودن مالی دیگر به گندم مرغوب و در نظر گرفتن یک کیلوگرم گندم نامرغوب در قبال قیمت آن مال، معامله از حالت ربوی خارج شده و صحیح خواهد بود (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۹۸/۳). اهمّ روایاتی که بر صحتّ این قسم معامله دلالت دارد، عبارتند از:

الف: عبد الرحمان بن حجاج نقل کرده: «كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُنْكَدِرِ يَقُولُ لِأَبِي (ع) يَا أَبَا جَعْفَرٍ رَحِمَكَ اللَّهُ وَاللَّهِ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّكَ لَوْ أَخَذْتَ دِينَارًا وَ الصَّرْفُ بِشَمَانِيَّةٍ عَشْرَ فِطْرَتِ الْمَدِينَةِ عَلَى أَنْ تَجِدَ مَنْ يُعْطِيكَ عَشْرِينَ مَا وَجَدْتَهُ وَمَا هَذَا إِلَّا فِرَارٌ فَكَانَ أَبِي يَقُولُ صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَلَكِنَّهُ فِرَارٌ مِنْ بَاطِلٍ إِلَى حَقٍّ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸ / ۱۷۹)؛ امام صادق (ع) فرموده است: محمد بن منکدر به پدرم امام باقر (ع) عرض کرد: ای ابا جعفر، خدا تو را رحمت کند اگر یک دینار به دست بگیری، در حالی که نرخ آن هجده درهم است و تمام شهر مدینه را دور بزنی که کسی آن را بیست درهم بخرد، خریداری پیدا نمی کنی. بنابراین، این عمل جز فرار از ربا نیست! پدرم (ع) همواره در جواب می فرمود: راست می گویی و لکن این عمل، فرار از باطل به سوی حق است». اگرچه در متن روایت به صراحت سخنی از ضم ضمیمه بیان نشده است، لکن از قرائن و شواهد این گونه برداشت می شود که در مجلس مذکور سخن از ضمّ ضمیمه بوده و بر اساس این روایت قرار دادن ضمیمه ای در معامله ربوی، مشکل ربا در معامله دو جنس مشابه غیر هم وزن بر طرف خواهد شد.

ب: یکی از یاران امام صادق (ع) به نام عبدالله حلبی این گونه نقل کرده است که: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَأَبَسَ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِرْهَمٍ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِينَارَيْنِ إِذَا دَخَلَ فِيهَا دِينَارَانِ أَوْ أَقْلُ أَوْ أَكْثَرُ فَلَأَبَسَ بِهِ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۱۸)؛ از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: معامله هزار و یک درهم با هزار درهم و دو دینار یا کمتر یا بیشتر از آن اشکالی ندارد». همان طور که مشخص است در این روایت، امام (ع) دو دینار را ضمیمه معامله دانسته و بر همین اساس، اعلام نموده که کمی یا زیادی ضمیمه در رفع مشکل ربا اهمیتی نداشته و مهم، وجود ضمیمه در معامله است.

ناگفته نماند با توجه به بطلان معاملات صوری و ضرورت مالیت داشتن مبیع یا ثمن، بر اساس این گروه از روایات ضروری است که ضمیمه به لحاظ عرف ارزش معامله شدن را داشته باشد.

۲-۳-۲- انجام دو معامله مستقل

با توجه به مفاد برخی روایات می توان مدعی شد سومین روشی که در نصوص به صراحت به عنوان یکی از حیل تخلّص از ربا پذیرفته شده، حالتی است که در آن دو معامله به صورت مستقل صورت پذیرفته و فروش زیادی به عنوان معامله دوم و در قالب معامله ای مستقل صورت پذیرد. از میان روایات دالّ بر جواز این شیوه معامله می توان به این موارد اشاره نمود:

- سعید بن یسار از امام صادق (ع) نقل کرده است: «كَانَ أَبِي بَعَثَنِي بِكَيْسٍ فِيهِ أَلْفُ دِرْهَمٍ إِلَى رَجُلٍ صَرَافٍ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَهُ أَنْ يَبِيعَهَا فَإِذَا بَاعَهَا أَخَذَ ثَمَنَهَا فَأَشْتَرِي لَنَا بِثَمَنِهَا دِرْهَمَ مَدَنِيَّةٍ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۱۸)؛ پدرم امام باقر (ع) مرا با کیسه ای از پول که داخل آن هزار درهم قرار داشت، به سوی مردی صراف از اهالی عراق فرستاد و به من امر نمود که به مرد صراف بگویم: درهم های ما را بفروش و پس از آن که ثمن را دریافت نمود، با مبلغ حاصله برای ما درهم مدینه را خریداری کند».

- علی بن جعفر در روایتی نقل کرده است: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ ثَوْبًا بِعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ ثُمَّ اشْتَرَاهُ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ أَيَحِلُّ؟ قَالَ إِذَا لَمْ يَشْتَرِطْ وَرَضِيَ فَلَا بَأْسَ (حمیری، بی تا: ۱۱۴/۲)؛ از امام کاظم (ع) در موردی شخصی سؤال کردم که لباسی را به ده درهم فروخت و سپس آن را به پنج درهم خریداری کرد، آیا چنین معامله ای حلال و درست است؟ امام (ع) در پاسخ فرمودند: اگر شرطی نکند و دو طرف راضی باشند، اشکالی ندارد». همان طور که از متن این روایت مشخص است امام (ع) با بیان این عبارت که «إِذَا لَمْ يَشْتَرِطْ» و «رَضِيَ»، در واقع به این موضوع تأکید نموده که دو معامله کاملاً مستقلّ از یکدیگر بوده و طرفین نسبت به اجرای معامله دوم رضایت کامل داشته باشند.

بدیهی است در حالتی که دو معامله مستقلّ بوده و در این میان، شرط خاصی مطرح نباشد که منجر به وابستگی یکی از معاملات به دیگری شود و از انعقاد این دو معامله به عنوان روشی در جهت تخلّص از ربا مورد استفاده قرار گیرد، به کار بردن اصطلاح «حیله» برای این شیوه در معنای منفی آن ظهور نداشته و بلکه به معنای راه چاره ای است که مورد تأیید ائمه معصومین (ع) نیز قرار گرفته است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که برخی از فقها تنها شیوه هایی را به عنوان حیل شرعی تخلّص از ربا پذیرفته اند که مبتنی بر نصّ صریح احادیث بوده و در روایات، حکم به جواز استفاده از آنها شده باشد؛ در مقابل، گروهی از فقهای امامیه، تمامی شیوه هایی را که با قواعد شرعی و ادله قطعی در تعارض نباشد به عنوان حیل شرعی ربا به رسمیت شناخته و استفاده از آنها را جایز دانسته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳-ب: ۴۰۱).

ارزیابی و اظهار نظر پیرامون اقوال مذکور، نیازمند توجه به دو نکته بسیار مهم است: نخست آن که با توجه به عمومیت و اطلاق نصوص وارده در خصوص حرمت معاملات ربوی، قطعاً خروج یک معامله ربوی از این عمومیت و اطلاق، نیازمند وجود

دلیلی خاص در خصوص آن قسم از معامله است. دوم آن که بعید نیست مراد ائمه اطهار(ع) از ذکر روایات فوق، تبیین یک حکم کلی در خصوص حیل تخلّص از ربا باشد؛ و آن حکم عبارت است از این که در تخلّص از ربا می توان از کلیه حیلها و روش های شرعی بهره جست. در مقام نتیجه گیری نهایی باید گفت با توجه به قطعیت حرمت معاملات ربوی و عمومیت و اطلاق نصوص وارده در این خصوص و نظر به آن که دلیل مستحکمی در جهت اثبات جواز استفاده از کلیه حیلها شرعی برای فرار از ربا وجود ندارد، صحیح تر آن است که در این مورد، طریق احتیاط در پیش گرفته و برای تخلّص از ربا صرفاً آن دسته از روش هایی را مورد استفاده قرار داد که در روایات وارده مورد تأیید قرار گرفته اند.

۳- بیع عینه به عنوان یکی از شیوه های تخلّص از ربا

پیش از بررسی جایگاه بیع عینه در فرار از معامله ربوی و نظر علما پیرامون جواز یا عدم جواز بکارگیری این روش، ضروری است ابتدا به تبیین ماهیت آن پرداخته شود.

۳-۱- ماهیت بیع عینه

در خصوص مفهوم عبارت «بیع عینه» تعاریف مختلف و بعضاً متفاوتی بیان شده که مهم ترین آنها عبارت است از: *گناه علوم انسانی و مطالعات فقهی*
- معامله ای که شخص طی آن، مبیع را در قبال ثمن مؤجل فروخته و پس از تحویل آن به مشتری و پیش از سررسید ثمن، مجدداً آن را به قیمتی کمتر و به صورت نقدی از مشتری خریداری می کند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۵۳۱/۲؛ خوانساری، ۱۴۱۸: ۲۷۵/۳).

- «بیع عینه» عبارت است از خرید کالا به صورت نسیه و فروش نقدی آن به بهای کمتر. «عینه» از «عین» به معنای مال موجود است. این نوع معامله از دیر زمان برای فرار از ربا در قرض ربوی یا وصول طلب از بدهکار به دو صورت انجام می گرفته است؛ شخص نیازمند به نقدینگی برای فرار از ربا با صاحب مال معامله ای به این صورت

انجام می داد که از او به صورت نسیه کالایی گران تر از قیمت نقد می خرید و سپس در همان جلسه آن را به قیمت کمتر به صورت نقد به فروشنده می فروخت ... طلبکار برای وصول طلب خود از فردی که توان پرداخت بدهی خویش را ندارد، کالایی معین را نسیه به او می فروشد و سپس همان کالا را به بهایی کمتر [و به صورت] نقد از او می خرد تا بدهکار بتواند با پول دریافتی از طلبکار، طلب پیشین او را بپردازد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۹۰/۲).

«بیع عینه، نوعی معامله ربوی متضمّن حیلۀ قانونی [است] که در حدود چهارده قرن قبل بین تجار در جزیره العرب و عراق و غیره معمول و معروف بود و قانون اسلام آن را منع کرد. در بیع عینه مقرض مالی را نسیه و به بیشتر از قیمت واقعی به مستقرض می فروخت و خریدار آن را به قیمت واقعی نقداً به بایع می فروخت و مبیع به این ترتیب در اختیار بایع اولی قرار می گرفت و وجه نقدی که قیمت واقعی آن بود، در دست مستقرض می ماند و مستقرض به موجب بیع اول ما به التفاوت قیمت واقعی و ثمن المسمی بیع اول را (در واقع به عنوان ربح) به بایع اول مقروض می شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۴۸۴-۴۸۵).

صرفنظر از توضیحات قابل تأملی که از سوی جعفری لنگرودی در خصوص صحّت یا عدم صحّت بیع عینه صورت گرفته، با بررسی عبارات مذکور می توان دریافت که تعاریف ارائه شده از سوی فقها و حقوقدانان دلالت بر یک مفهوم و ماهیت دارد.

۳-۲- نظرات فقها پیرامون استفاده از بیع عینه برای تخلّص از ربا

اندیشمندان شیعه پیرامون جواز یا عدم جواز استفاده از بیع عینه به عنوان روشی در جهت تخلّص از ربا، دو طریقت را در پیش گرفته اند؛ گروهی قائل به حرمت استفاده از این معامله شده و در مقابل، گروهی دیگر بکارگیری آن را جایز دانسته اند.

یکی از مهم ترین ادله ای که در جهت اثبات حرمت بیع عینه بیان شده، روایاتی است که بر حرمت شرط نمودن فروش مجدد مبیع به بایع دلالت دارد. به عنوان مثال، روایت علی بن جعفر که در گذشته بیان شد (حمیری، بی تا: ۱۱۴/۲)، جزو همین گروه از روایات بوده و مفهوم آن، بدین موضوع دلالت دارد که اگر بایع شرط کند که مشتری مجدداً کالا را به صورت نقد و به قیمت کمتر به وی بفروشد، معامله خالی از اشکال نیست. همان طور که در گذشته بیان شد روایت مذکور به لحاظ سندی صحیح بوده و بر این اساس، دلیلی مستحکم در جهت اثبات نظریه حرمت بیع عینه محسوب می گردد.

برخی بر این باور هستند که بیع عینه به واسطه آن که مستلزم دور بوده، حرام است. در توضیح پیرامون این دلیل باید گفت بر اساس نظر این گروه در بیع عینه بایع شرط می کند که مشتری مبیع را مجدداً به وی بفروشد و به همین واسطه، مالکیت مشتری متوقف بر فروش ملک به بایع شده و بر این اساس، مشتری مالک مال نگردیده و لذا سزاوار دریافت ثمن نیست. شهید ثانی در پاسخ به این اشکال ابراز داشته که میان ملکیت و مالکیت تفاوت داشته و در بیع عینه، اگرچه ملکیت مشتری بر مبیع مستلزم عمل به شرط مذکور است، لکن مالکیت وی بر مبیع محقق گردیده و به توجه به آن که در تحقق عقد بیع، صرف تحقق مالکیت کفایت می کند، بیع عینه صحیح خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۱۶/۳).

عدم قصد در انتقال مالکیت مبیع به مشتری، از دیگر ادله ای است که به منظور اثبات حرمت بیع عینه بدان استناد شده است. در توضیح پیرامون این دلیل باید گفت از نظر برخی همچون شهید اول، در بیع عینه بایع قصد انتقال مبیع به مشتری را ندارد و بر این اساس، معامله صوری و باطل خواهد بود (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۱۶/۳). استناد به دلیل مذکور خالی از اشکال نیست؛ چراکه در بیع عینه فرض بر آن است که بایع قصد

انتقال مبیع به مشتری را داشته و با قصد کامل و به دور از انجام هرگونه معامله صوری اقدام به خرید و فروش با مشتری نموده است.

از دیگر ادله ای که به منظور اثبات حرمت بیع عینه بدان استناد شده، اجماع است (مقدّس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۳۰/۹) که با توجه به آراء فقها مبنی بر جواز استفاده از بیع عینه و نیز مدرکی بودن اجماع مذکور، نمی توان بدان اعتنایی نمود.

در مقابل، قائلین به جواز بیع عینه به منظور اثبات نظریه خود به عموماتی چون «احلّ الله البیع و حرّم الربا» (بقره: ۲۷۵) و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲) استناد نموده و بیع عینه را داخل در عمومات مذکور دانسته و بر همین اساس، استفاده از آن به عنوان یکی از حیل شرعی ربا را جایز دانسته اند (ابن حزم، بی تا: ۵۴۸/۷).

از دیگر مواردی که به منظور اثبات جواز بیع عینه بدان استناد شده، روایاتی است که در آنها صراحتاً حکم بر جواز این قسم از بیع گردیده است. از میان این روایات می توان به روایت محمد بن اسحاق اشاره نمود که در قسمت گذشته و ذیل تبیین روایات دالّ بر جواز بکارگیری حیل تخلّص از ربا بیان شد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵/۱۸). در روایت مذکور، اگرچه به صراحت نامی از بیع عینه برده نشده، لکن شخص سائل درصدد بیان حالتی است که بیع عینه محقّق می گردد. بر این اساس، جواز امام به ارتکاب این قسم معامله به معنای جواز بیع عینه خواهد بود.

روایت دیگری که به صراحت به جواز بیع عینه دلالت دارد، روایت هارون بن خارجه است که در آن نقل شده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَيَّنْتَ رَجُلًا عَيْنَهُ فَحَلَّتْ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ أَفْضِنِي فَقَالَ لَيْسَ عِنْدِي فَعَيْنِي حَتَّى أَقْضِيكَ؟ فَقَالَ عَيْنُهُ حَتَّى يَقْضِيكَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵/۱۸)؛ به امام صادق (ع) عرضه داشتیم: بیع عینه انجام دادم و موعد پرداخت بدهی رسید، به طرف مقابل گفتم بدهی خود را پرداخت کن. گفت: چیزی ندارم، بیع عینه دیگری انجام بده تا اداء دین کنم. حضرت فرمودند: مجدداً بیع

عینه انجام بده تا دین خود را اداء کند». در این روایت به صراحت از بیع عینه یاد شده و امام (ع) دستور به انجام آن داده که این مسأله، دلالت بر جواز بیع عینه دارد. در مقام ارزیابی نهایی و اظهار نظر پیرامون دو نظریه مذکور باید گفت با توجه به روایت علی بن جعفر در خصوص نهی از شرط نمودن فروش مجدد مبیع به بایع و نیز ادله ای که از سوی قائلین به جواز بیع عینه ارائه شده است بهترین حال، جمع میان دو ادله معتبر هر دو گروه است. بر این اساس، در صورت عدم شرط فروش مجدد مبیع به بایع، بیع عینه کاملاً صحیح و خالی از اشکال بوده و شرط نمودن چنین موضوعی در بیع عینه مکروه است.

نتیجه گیری

از مجموع توضیحاتی که پیرامون حیل تخلّص از ربا و استفاده از بیع عینه به عنوان یکی از این روش ها ارائه گردید، می توان چنین نتیجه گرفت:

۱- اصطلاح حيله فی نفسه معنای منفی یا مثبتی را به همراه نداشته و همراهی مفهوم خباثت یا حکمت با این واژه را روشی مشخص می سازد که از آن به عنوان وسیله ای در جهت رسیدن به مقصود استفاده می شود.

۲- قائلین به حرمت بکارگیری حیل تخلّص از ربا بر این باور هستند که جایز دانستن این قبیل شیوه ها با فلسفه حرمت ربا تعارض آشکار داشته و در نهایت، منجر به بروز نتایج حاصله از معاملات ربوی در جامعه خواهد شد.

۳- با توجه به قطعیت حرمت معاملات ربوی و عمومیت و اطلاق نصوص وارده در این خصوص و نظر به آن که دلیل مستحکمی در جهت اثبات جواز استفاده از کلیه حيله های شرعی برای فرار از ربا وجود ندارد، صحیح تر آن است که در این مورد، طریق احتیاط در پیش گرفته و برای تخلّص از ربا صرفاً آن دسته از روش هایی را مورد استفاده قرار داد که در روایات وارده مورد تأیید قرار گرفته اند.

۴- بیع عینه معامله ای است که شخص طی آن، میباید را در قبال ثمن مؤجّل فروخته و پس از تحویل آن به مشتری و پیش از سررسید ثمن، مجدداً آن را به قیمتی کمتر و به صورت نقدی از مشتری خریداری می کند.

۵- با توجه به ادله ای که از سوی قائلین به حرمت و نیز قائلین به جواز بیع عینه صادر شده، بهترین شیوه در خصوص حکم بیع عینه جمع میان دو ادله و قول به کراهت این قسم از معامله است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن حزم، ابو محمد علی (بی تا)، **المحلّی بالآثار**، ج ۷، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعید حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق)، **الجامع للشرائح**، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، ج ۱۴، چ ۳، بیروت: دار الفکر.
- اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، ج ۹، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، **المحیط فی اللغه**، تحقیق محمد حسن آل یاسین، ج ۱۰، بیروت: عالم الکتب.
- امامی، سید حسن (۱۳۶۸)، **حقوق مدنی**، ج ۱، چ ۷، تهران: اسلامیه.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۲۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۶ق)، **صراط النجاه**، ج ۸، قم: مکتب نشر المنتخب.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج ۳، قم: داوری.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۳، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، **ترمینولوژی حقوق**، چ ۲۵، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- جمعی از نویسندگان زیرنظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، قم: آل البیت (ع).
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، نهایه الاحکام، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا)، تذکره الفقهاء، ج ۱۰، قم: آل البیت (ع).
- حمیری، عبدالله بن جعفر (بی تا)، قرب الاسناد، ج ۲، تهران: کتابفروشی نینوا.
- خطیبی، مهدی (۱۴۰۰)، تفکیک حیلہ های مجاز و حیلہ های غیر مجاز قرض ربوی با معیار عرف، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲۶، ۲۱۱-۲۴۶.
- خمینی (امام)، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: دار العلم.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار العلم.
- رضایی، احمد علی (۱۳۹۴)، جایگزین های شرعی برای معاملات ربوی: گامی به سوی بانکداری اسلامی، مجله اقتصادی، ۷ و ۸، ۸۱-۹۲.
- رمضان زاده، یوسف (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی حیلہ در ربا با تکیه بر دیدگاه امام خمینی (ره) و شهیدین، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصریات، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۳)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳ و ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۷۷)، **الخصال**، ترجمه محمد باقر کمره ای، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۰۸ق)، **مجمع البحرين**، ترجمه احمد حسینی، ج ۵، قم: مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق - ب)، **الجمال و العقود فی العبادات**، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق - الف)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۵، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الاحکام**، ج ۷، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، ج ۳، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عسگری آرانی، سجاده؛ مسعود؛ غلامحسین؛ شکرچی زاده، محسن (۱۴۰۰)، **مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و مصر نسبت به ربا**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۴، ۲۵۵-۲۸۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، ج ۸، ج ۲، قم: هجرت.
- فرج زاده جیدرقی، هاشم؛ صابریان، علیرضا؛ کهنساری، رضا (۱۴۰۰)، **بررسی مشروعیت حیل ربا در مذاهب اسلامی**، پژوهش های فقهی، ۲، ۴۰۹-۴۳۳.
- فیروز آبادی، مجد الدین بن محمد (بی تا)، **قاموس اللغه**، ج ۳، بیروت: دار الجمیل.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار**، ج ۱۰۰، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، **مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص)**، ج ۱۹، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، **فقه الامام الصادق (ع)**، ج ۳، ج ۲، قم: انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳- الف). **بررسی فرار از ربا**، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳-ب)، **حیله های شرعی و چاره جوئی های صحیح در فقه اسلامی**، تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- نجفی خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۱۸ق)، **منیه الطالب فی شرح المکاسب**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۳، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی